



Performances, adaptations and influences of the play "The Visit of the Old Lady" written by Friedrich Dürrenmatt In German-speaking countries and Iran

Faranak Hashemi ^{1*}, Mandana Langarizadeh ²

^{1*}. Assistant professor of German Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, Faranak_Haschemi@yahoo.de.

^{*2}. f.hashemi@atu.ac.ir Studied German language and literature at Allameh Tabataba'i University, Researcher, Langarizaehmandana@yahoo.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received:

16/11/2024

Accepted:

22/01/2025

Friedrich Dürrenmatt is one of the most important and renowned German-speaking playwrights, and some of his works, including *The Visit of the Old Lady*, are among the most frequently performed German-language plays. This play is a prominent example of grotesque and dark humor, which are techniques used by Dürrenmatt. In the present comparative and interdisciplinary study, after introducing the work and referring to theoretical aspects and adaptation theories, the various performances of the play in German-speaking countries and Iran are examined. Additionally, its adaptations in the form of opera and film are also discussed. This study aims to highlight some of the differences and similarities among the various performances, which arise from the effect of the time gap between the performances and the cultural differences in artistic vision, work style, and theatrical factors. The newer performances are somewhat more modern, with some features, such as set and costume design, being exaggerated in some cases. In films, the content has also been modified according to the influence of the cultural context, leading to certain differences.

Keywords: Dürrenmatt, The Visit of the Old Lady, German Performances, Farsi Performances, adaptations

Cite this article: Hashemi, Faranak; Langarizadeh, Mandana, (2025), *Performances, adaptations and influences of the play "The Visit of the Old Lady" written by Friedrich Dürrenmatt In German-speaking countries and Iran*, Interdisciplinary Research in Persian Language and Literature, Vol. 4, New Series, No.1, spring and summer 2025: pages:135-165.

DOI: 10.30479/IRPLI.2025.21189.1219



© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University

***Corresponding Author:** Faranak Hashemi

Address: Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

E-mail: Faranak_Haschemi@yahoo.de



اجراها، اقتباس‌ها و تأثیرات نمایشنامه ملاقات بانوی سالخورده نوشته فردریش دورنمات در کشورهای آلمانی‌زبان و ایران

فرانک هاشمی^{۱*}، ماندانا لنگری‌زاده^۲

^۱. استادیار گروه زبان و ادبیات آلمانی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. Faranak_Haschemi@yahoo.de

^{۲*}. دانش‌آموخته زبان و ادبیات آلمانی دانشگاه علامه طباطبائی، پژوهشگر آزاد، Langarizaehmandana@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله:	فردریش دورنمات یکی از مهم‌ترین و نامدارترین نمایشنامه‌نویسان آلمانی‌زبان و برخی آثارش از جمله ملاقات بانوی سالخورده در زمره پُراجراترین نمایشنامه‌های آلمانی‌زبان برشمرده می‌شوند.
مقاله پژوهشی	این نمایشنامه یکی از نمونه‌های بارز گروتسک و سیاه‌نمایی است، که از شگردهای دورنمات به-شمار می‌رود. در پژوهش تطبیقی و بینارشته‌ای حاضر پس از معرفی این اثر، با استناد به بخش نظری و نظریه‌های اقتباس، اجراهای مختلف نمایشنامه در کشورهای آلمانی‌زبان و ایران بررسی شده‌اند. نیز به اقتباس‌های آن در غالب اپرا و فیلم اشاره شده و تلاش گردیده برخی تفاوت‌ها و شباهت‌های اجراهای مختلفی که به روی صحنه آورده شده که ناشی از تأثیر فاصله زمانی اجراها و تفاوت‌های فرهنگی دیدگاه هنری، سبک کاری و عوامل تأثیری هستند، نشان داده شوند.
دریافت:	اجراهای جدیدتر قدری امروزی‌تر و برخی ویژگی‌ها از جمله طراحی صحنه و لباس در آن‌ها در برخی موارد اغراق‌آمیزتر است. در فیلم‌ها نیز با توجه به تأثیرات نمایشنامه در برداشت‌ها با توجه به بافت فرهنگی، در محتوا تفاوت‌هایی ایجاد شده است.
۱۴۰۳/۰۸/۲۶	کلمات کلیدی: دورنمات، ملاقات بانوی سالخورده، اجراهای آلمانی‌زبان، اجراهای فارسی، اقتباس.
پذیرش:	
۱۴۰۳/۱۱/۰۳	

استناد: هاشمی، فرانک؛ لنگری‌زاده، ماندانا (۱۴۰۴). اجراها، اقتباس‌ها و تأثیرات نمایشنامه ملاقات بانوی سالخورده نوشته فردریش دورنمات در کشورهای آلمانی‌زبان و ایران، دوفصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای زبان و ادبیات فارسی، سال چهارم، دوره جدید، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۴: ۱۳۵-۱۶۵.

DOI: 10.30479/IRPLI.2025.21189.1219



حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

^{۱*}. نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: Faranak_Haschemi@yahoo.de

۱. مقدمه

نمایشنامه *ملاقات بانوی سالخورده* (Der Besuch der alten Dame) اثر فریدریش دورنمات، نویسنده و نمایشنامه‌نویس سوئیسی، یکی از آثار جهانی ادبیات آلمانی‌زبان، به موضوعی می‌پردازد که از نخستین اجرای آن (۱۹۵۶) تا امروز همچنان دارای اهمیت است: عدالت و انسانیت. چگونگی تلاش برای دستیابی به این موضوع انتزاعی در نمایشنامه از سوی دورنمات در ذهن تماشاگران تردیدهایی ایجاد می‌کند که اساساً عدالت چیست و آیا می‌توان و جایز است که با جبر و فشار به آن دست یافت؟

هدف از این پژوهش بررسی این اثر، اجراها و اقتباس‌های آن در کشورهای آلمانی‌زبان و ایران، نیز ویژگی‌های آن‌هاست. نمایشنامه مذکور از پنجاه سال پیش تاکنون تأثیر محسوسی بر مخاطبان خود گذاشته، بنابراین نکات اساسی آن معرفی می‌شوند، که باعث تأثیرگذاری بر تماشاچیان است و آنان در همان دقایق ابتدایی اجرا، مجذوب و درگیر آن می‌شوند.

برای بررسی برخی اجراهای این اثر در کشورهای آلمانی‌زبان و نیز ایران از اولین اجرای آن تا به امروز، نه تنها از نقدها و گزارش‌های موجود در روزنامه‌های معروف سوئیس، آلمان و ایران اطلاعاتی گردآوری شده، بلکه از بروشورها، سایت‌ها و به‌ویژه عکس‌های مربوط به اجراها نیز استفاده شده است. از نمونه‌های تصاویر اجراهای گوناگون در کشورهای مختلف، برای آشکار شدن تفاوت‌ها استفاده می‌شود. برای دستیابی به برخی اطلاعات، عمدتاً به روزنامه‌های منطقه خاص و دوره زمانی مربوط به اجراهای موردنظر رجوع شده است.

پرسش‌هایی که در این پژوهش مطرح می‌شوند:

- اجراهای مختلف در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون چه تأثیر متفاوتی بر مخاطبان دارند یا روند داستان به اصل نمایشنامه دورنمات نزدیک است؟

- میزان تأثیر متن نمایشنامه بر اجراها و اقتباس‌ها کم است یا تفاوت‌های چشمگیری، به‌ویژه از نظر ظاهری، مشهود است؟

فرضیه‌ها حاکی از این است:

- با توجه به تفاوت‌های زمانی و فرهنگی، همچنین سلیقه‌ها و برداشت‌های کارگردانان و دیگر دست‌اندرکاران، اجراهای نمایشی دچار دگرگونی‌هایی می‌شوند؛ به‌گونه‌ای که ساختارهای اجرایی متفاوتی به روی صحنه می‌آیند و انتقال محتوا نیز در این اقتباس‌ها با

تفاوت‌هایی همراه است. با این حال، احتمال می‌رود که بن‌مایه اصلی داستان دچار تغییر چشم‌گیری نشود.

- اجراهای گوناگون به نمایشنامه نزدیک‌اند و صرفاً برخی جزئیات براساس سلیقه و فرهنگ بومی یا فاصله زمانی تغییر می‌یابد. در غیر این صورت موضوع نمایشنامه مفهوم خود را از دست می‌دهد. تأثیرگذاری متن اصلی نمایشنامه بر انواع اجرا از جمله تئاتر، فیلم یا اپرا مشهود است.

این پژوهش در چهار بخش تنظیم شده است: بخش نخست به بررسی زندگی و آثار نویسنده و نیز تحلیل فضای شکل‌گیری نمایشنامه ملاقات بانوی سالخورده اختصاص دارد. در بخش دوم، نمایشنامه از نظر ساختار، محتوای داستانی، شخصیت‌ها و انگیزه‌های آن‌ها معرفی می‌شود و همچنین به تاریخچه شکل‌گیری اثر و اجراهای متعددی که موجب شهرت جهانی آن شده‌اند، پرداخته می‌شود. بخش سوم به موضوع اصلی پژوهش، یعنی بررسی اجراهای این نمایشنامه در کشورهای گوناگون، تحلیل اقتباس‌های صورت گرفته، و بازتاب آن‌ها در تئاترهای مختلف و نیز دیدگاه برخی منتقدان اختصاص دارد.

۲. پیشینه پژوهش

درباره دورنمات و آثارش پژوهش‌های زیادی انجام شده است که به تعدادی از مهم‌ترین آثار مرتبط با نمایشنامه ملاقات بانوی سالخورده اشاره می‌شود.

صدیقی (۸۷/۱۳۸۶)، منتقد تئاتر، در جستار خود با عنوان «یک کمدی رعب‌آور! نگاهی به نمایش "ملاقات بانوی سالخورده"، نوشته فریدریش دورنمات، ترجمه و کارگردان: حمید سمندریان» پس از معرفی کوتاه دورنمات و آثارش، نیز خلاصه‌ای از نمایشنامه، دو اجرای سمندریان، از جمله شیوه بازی و اجرا، صحنه‌آرایی و نورپردازی را تحلیل و مقایسه می‌کند.

روشن (۱۳۸۷) در مصاحبه‌ای با عنوان «سمندریان و اجرای ملاقات بانوی سالخورده» با سمندریان درباره دلیل اجرای دوباره این اثر بعد از بیش از سی سال گفتگو می‌کند.

نونهالی (۱۳۸۷) در جستاری کوتاه نمایشنامه ملاقات بانوی سالخورده را معرفی کرده است.

صفیئی (۱۳۸۸) در «کاربرد تحلیل ساختار روایت: تحلیل روایی ملاقات بانوی سالخورده اثر "فریدریش دورنمات"، با تکیه بر دیدگاه رولان بارت» به بررسی لایه‌های گوناگون روایت و

کارکردها و کنش‌ها از جمله کاوش در معانی ایدئولوژیک و اجتماعی در این نمایشنامه پرداخته- است.

طهوری و کلانتری (۱۴۰۰) در «بررسی مراقبت و تنبیه فوکویی در نمایشنامه ملاقات بانوی سالخورده از فریدریش دورنمات» پس از معرفی دیدگاه و اندیشه فوکو، چگونگی استحاله شخصیت‌ها در نمایشنامه نام‌برده را بررسی نموده است.

۳. چارچوب نظری

اقتباس از متون ادبی

زرین کوب در نقد ادبی «پژوهنده ادبیات تطبیقی» را فردی می‌داند که در جست‌وجوی «کیفیت تجلی و انعکاسی است که اثر ادبی قومی در ادب قوم دیگر پیدا می‌کند» (به نقل از انوشیروانی، ۱۳۸۹ الف: ۱۱) و آن‌گاه که سخن از اخذ و اقتباس و تقلید و نفوذ به میان می‌آید، بیان این است که «چگونه با مضامین و آثار قوم دیگر مقابله [شده] و تلقی از آن آثار چگونه و به چه نحوی [بوده است]» (همان). پژوهشگر در این ارتباط علاوه بر متن نوشتاری و ادبیات معیار، «حیطه مطالعات خود را به سینما و نقاشی و ادبیات عامه‌پسند [...] نیز می‌گستراند» (همان: ۱۵). در این صورت بافت فرهنگی و اجتماعی مقصد نیز جایگاه ویژه‌ای می‌یابد. اقتباس:

نوعی تأثیرپذیری یا تفسیر است که در آن هنرمند با تفسیر اثر هنری دیگر یا پیروی از آن، اثر جدیدی بازآفرینی می‌کند که ردپای آثار متقدم در آن قابل رؤیت است؛ به بیان دیگر، اقتباس‌کننده مضمون یا شگردهای صوری اثری را وام می‌گیرد و پس از جرح و تعدیل، آن را برای بیان مفاهیم موردنظر خود به کار می‌گیرد (انوشیروانی، ۱۳۸۹ ب: ۱۷).

به نقل از انوشیروانی می‌توان برجسته‌ترین اقتباس‌ها را در فیلم، تئاتر و نمایشنامه‌های رادیویی مشاهده کرد. در این‌گونه اقتباس‌ها، اقتباس‌کننده با بازخوانی و تفسیر، اثری خلق می‌کند که ترکیبی از «تفسیر، خالقیت و بینامتنیت» است. موفقیت اقتباس‌کننده بستگی به میزان خالقیت او دارد (انوشیروانی، ۱۳۸۹ ج: ۱۸). در یک اثر اقتباسی عوامل بسیاری نوآوری می‌شوند؛ از جمله شخصیت‌ها، زبان، دکور صحنه، لباس و گریم. رضاپور و انوشیروانی خود به نقل از جیانتی نمایش‌های تئاتری را اینگونه توصیف می‌کنند که «بهترین منابع ادبی برای

اقتباس‌های تحت‌اللفظی هستند، زیرا زبان و حوادث به راحتی به روی پرده سینما می‌آیند و معمولاً فیلمسازان، نمایشنامه را بی‌طرفانه به یک فیلمنامه تبدیل می‌کنند» (۱۳۹۹: ۲۱۷). تمایز میان اقتباس و تقلید را هاجن این‌گونه بیان می‌کند: «اقتباس تکرار است؛ اما تکرار بدون همانندسازی» (Hutcheon, ۲۰۰۶: ۷) و این رویه «متناسب‌سازی» ناگزیر شامل اصلاحات کلی، زمانی و فرهنگی خواهد بود و در مقایسه با متن اصلی ممکن است برش، حذف، اضافات و تغییراتی داشته باشد (موسوی، آتشی، ۱۴۰۰: ۱۴۹).

۴. ملاقات بانوی سالخورده

۴-۱ فریدریش دورنمات، زندگی و آثار

فریدریش دورنمات زاده ۱۹۲۱ در سوئیس است. او به تحصیل در رشته‌های فلسفه، علوم طبیعی و ادبیات آلمانی پرداخت (Goertz, ۱۹۹۷: ۱۸). او در دسامبر ۱۹۹۰ در سن ۶۹ سالگی درگذشت. او تمام آثار ادبی خود را با هدف ایجاد یک آرشیو ادبی در سوئیس اهدا کرد (ibid. ۱۶).

آثار دورنمات به سه بخش تقسیم می‌شوند: نمایشنامه‌ها، نمایش‌های رادیویی و آثار جنایی که شامل داستان و رمان است و از همان ابتدا طنز تلخ و سیاه در نوشته‌هایش شروع به نمایان شدن کرد.

او نخستین نمایشنامه نوشته شده است "Es steht geschrieben" را در سال ۱۹۴۷ در سن ۲۶ سالگی به روی صحنه برد. آثاری همچون *نابینا* "Der Blinde" (۱۹۴۸) و *رمولوس کبیر* "Romulus der Große" (۱۹۴۹) او را به عنوان نویسنده‌ای جنجالی و بحث‌برانگیز به مخاطبان‌ش شناساندند (In: Friedrich Dürrenmatt).

او مجبور بود هزینه‌های زندگی را از راه نویسندگی تأمین کند (ibid. ۲۹)؛ حتی برای هفته‌نامه *Der Schweizerische Beobachter* رمان جنایی *قاضی و جلادش* "Der Richter und sein Henker" را نوشت، که از دسامبر ۱۹۵۰ تا مارس ۱۹۵۱ در هشت قسمت منتشر شد. پس از تردیدهای اولیه، این نمایشنامه به وسیله تئو اوتو در تئاتر مونیخ *Münchner Kammerspiele* به اجرا درآمد و نیز با موفقیت به فیلم تبدیل شد (Spycher, ۱۹۷۲: ۱۲۴).

در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، نمایش‌های رادیویی و داستان‌های کوتاه از محبوب‌ترین گونه‌های ادبی بودند. دورنمات نیز در این زمینه جوایزی دریافت کرد؛ ازجمله در سال ۱۹۵۷ جایزه ادبی "نمایشنامه‌های رادیویی نابینایان دوران جنگ"^۱ برای نمایش رادیویی پنچری "Die Panne". شهرت جهانی او بیشتر برای نمایشنامه‌ها و رمان‌های جنایی‌اش است. هلموت نورنبرگر در کتاب "تاریخ ادبیات آلمانی" نمایشنامه‌های دورنمات را چنین توصیف می‌کند: «در نمایشنامه‌های فریدریش دورنمات از تکنیک‌های قوی و تأثیرگذار تئاتری و شخصیت‌های منحصربه‌فرد استفاده می‌شود. نمایشنامه‌های او اغلب دارای داستان‌های تراژی-کمدی یا گروتسک هستند که با ایده‌های جالب و دیالوگ‌های طنزآمیز زنده می‌شوند» (Goertz, ۱۹۹۷: ۶۰).

بزرگ‌ترین موفقیت جهانی دورنمات را نمایشنامه ملاقات بانوی سالخورده در سال ۱۹۵۶ برای او به ارمغان آورد. از این نمایشنامه ترجمه‌ها، اجراها و اقتباس‌های زیادی موجود است و فیلم‌های متعددی نیز ساخته شده است. آخرین آثار نمایشی مهم و موفق او فیزیکدان "Die Physiker" (۱۹۶۲) و شهاب‌سنگ "Der Meteor" (۱۹۶۶) بودند. دیگر آثار مشهور او که در ایران نیز بروی صحنه رفته‌اند، عبارتند از: ازدواج آقای می‌سی‌سی‌پی "Die Ehe des Herrn Mississippi" (۱۹۵۲)، بازی استریندبرگ (Play Strindberg) (۱۹۶۸).

دورنمات جوایز ادبی متعددی نیز دریافت نمود، اما در اواخر فعالیت خود، دیگر چندان مورد توجه مخاطبان قرار نگرفت. آخرین اثری که پس از درگذشت او توسط همسرش در سال ۲۰۰۱ منتشر شد، کرگدن به ماده ببر می‌نویسد "Das Nashorn schreibt der Tigerin" بود.

۲-۴. خلاصه و بررسی

داستان ملاقات بانوی سالخورده با ورود قطاری به شهر فراموش‌شده گولن^۲ آغاز می‌شود. قطارها با سرعت و بدون توقف از ایستگاه گولن عبور می‌کنند. اقتصاد شهر به‌صورت مبهمی فلج شده و همه در فقر زندگی می‌کنند. تنها مأموران اجرای قانون برای مصادره اموال بدهکاران

^۱ "Hörspielpreis der Kriegsblinden"

^۲ گولن (Güllen) از "Gülle" برگرفته شده که در آلمانی به معنی کود یا فضولات حیوانی است و در نتیجه شهر و ساکنان آن را حقیرتر از شهروندان شهری عادی جلوه می‌دهد.

و تسویه بدهی‌های آن‌ها به شهر می‌آیند. در این وضعیت، همه امیدها به بانوی سالخورده است که دوران جوانی خود را در زادگاهش گولن سپری کرده است: کلر زاخاناسیان، بانویی ثروتمند که در سال‌های جوانی دلداۀ ایل، از ساکنان شهر بود. اینک ایل پیر و فقیر شده، اما او تنها امید گولنی‌ها است تا کلر را راضی کند که به این شهر ویران رفاه و ثروت بازآورد (Dürrenmatt, ۱۹۹۸: ۱۴۱). ایل از کلر وعده کمک دریافت می‌کند و اهالی شهر خوشحال می‌شوند؛ اما بانوی سالخورده شرطی دارد: خرید عدالت. با وجود گذشت سال‌ها کلر هنوز نمی‌تواند بی‌عدالتی‌ای را که گولنی‌ها، به‌ویژه ایل، در حق او روا داشته‌اند فراموش کند. او می‌گوید: «زندگی ادامه یافت، اما من ایل را فراموش نکردم» (ibid. ۴۹).

کلر خواهان انتقام و کشتن ایل است تا در ازای آن به شهر گولن یک میلیارد بپردازد. مردم گولن واکنشی نشان نمی‌دهند. شهردار پیشنهاد کلر را رد می‌کند و می‌گوید: "من به نام شهر گولن این پیشنهاد را رد می‌کنم. به نام انسانیت. ترجیح می‌دهیم فقیر بمانیم تا اینکه دستان به خون آغشته شود." در خواستۀ کلر سخن معروف "با پول می‌توان همه چیز را خرید" صدق می‌کند. بیان کلر نیز همین مصداق را دارد: "منتظر می‌مانم" (ibid. ۵۰). او اطمینان دارد که در نهایت به خواستۀ خود خواهد رسید.

زاخاناسیان بال‌های قدرت خود را بر شهر گولن می‌گستراند و بی‌درنگ تغییرات و ساختار موردنظر خود را به شهر و شهروندان تحمیل می‌کند. به تدریج مردم به امید دریافت کمک از سوی او، مطابق میلش رفتار می‌کنند. مردم گولن پول نداشته را خرج و خود را بدهکار می‌کنند و اغلب می‌گویند: "بگذار به حساب" (ibid. ۵۹) و کلر صبر می‌کند تا بدهی‌های آن‌ها به حدی برسد که چاره‌ای جز تسلیم در برابر خواسته‌هایش نداشته باشند. شهردار می‌گوید تمام امیدشان به زاخاناسیان است و کشیش اشاره می‌کند که امیدشان به خداست. معلم، این وجدان نیمه‌بیدار گولن، یادآور می‌شود که خدا نمی‌تواند از جیب‌هایش پول درآورد و این لحظه درخشان در نمایش، آغاز روندی است که در آن مردم با کمک سرمایه‌داری متقاعد می‌شوند که در اینجا باید ایمان به خدا را کنار بزنند.

آلفرد ایل به تدریج از تهدید رو به رشد شهروندان نسبت به خود آگاه می‌شود؛ هرچند در ظاهر همچنان دوستانه با او رفتار می‌کنند. نویسنده به ایل یک فرصت نهایی برای بقا می‌دهد و

راه فراری برای او ایجاد می‌کند؛ اما تلاش‌های بیهوده او برای رسیدن به قطار تنش‌های زیادی ایجاد می‌کند (Das schaurige Märchen von heute, ۱۹۵۶).

در پرده سوم شهروندان گولن در آمفی تئاتر هتل جمع می‌شوند تا در حضور رسانه‌ها درباره پیشنهاد کلر و مرگ ایل تصمیم بگیرند. شهردار رأی‌گیری را آغاز می‌کند و "همه دست‌هایشان را بلند می‌کنند" (Dürrenmatt, ۱۹۹۸: ۱۲۴). نتیجه این جلسه تأیید می‌کند که تمام افراد جامعه به همان اندازه‌ای در این گناه شریک‌اند، که هر فرد به تنهایی، (Das schaurige Märchen von heute, ۱۹۵۶) به نوعی ارتکاب به گناهی دسته‌جمعی^۳. در واقع اهالی شهر با رفتار خود دسته‌جمعی او را کشتند (Knopf, ۱۹۹۴: ۲۶۴f).

ایل در پایان همچون یک قربانی از میان مردم عبور کرده، می‌میرد. او بی‌حرکت در وسط صحنه افتاده، پزشک با بی‌تفاوتی می‌گوید: "ضربان قلب وجود ندارد". بلافاصله پس از این اتفاق، کلر تصمیم می‌گیرد شهر را ترک کند و به عنوان غنیمت تابوت ایل را با خود می‌برد، تا او را در مقبره‌ای در کاپری به خاک بسپارد. این آخرین کنش او و نمودی از عشقی بی‌حد و حصر و نزدیک به نفرت و انتقام است.

۳-۴. تحلیل متن و زبان

این نمایشنامه در سال ۱۹۵۵ در سه پرده نوشته شد و در ژانویه ۱۹۵۶، به وسیله اسکار والتراکین در زوریخ به روی صحنه رفت و به پربازدیدترین نمایش فصل ۱۹۵۶ و ۱۹۵۷ تبدیل شد و شهرت جهانی دورنمات در جایگاه یک نمایشنامه‌نویس را تثبیت کرد (Dürrenmatt, ۱۹۹۸: ۱۴۱)، هرچند دورنمات این نمایشنامه را چندان ارزشمند نمی‌دانست و موفقیت آن را نشانه‌ای از ضعف و سطحی‌انگاری آثارش می‌انگاشت.

متن این نمایشنامه به دفعات منتشر شد. در سال ۱۹۸۰ نسخه‌ای از آن با یادداشت‌های دورنمات از سوی انتشارات "Diogenes" به چاپ رسید. این یادداشت‌ها به خواننده کمک می‌کند تا جایگاه و دیدگاه نویسنده را بهتر درک کند. ضمن این‌که توضیح می‌دهد چرا یک اثر باید به صورت تئاتر اجرا شود. دورنمات ویژگی نمایشنامه را چنین بیان کرده است «یک نمایشنامه تنها بر روی صحنه تأثیر واقعی خود را نشان می‌دهد. برای من مانند یک آهنگساز است که برای اولین بار پارتیتور خود را توسط یک ارکستر می‌شنود. نمایشنامه یک ادبیات

^۳ Kollektives Vergehen, kollektive Schuld

محض نیست، بلکه پارتیتوری برای بازیگر است. من اغلب تعجب می‌کنم، وقتی نمایشی را بر روی صحنه می‌بینم.» (Dürrenmatt, ۲۰۰۶: ۱۲۳). او رسالت نویسنده را نیز چنین توصیف کرده است: «[...] یک نویسنده تلاش می‌کند دنیا را بهتر درک کند. اگر خواننده‌ای داشته باشد، امیدوار است که آن‌ها هم بتوانند این درک و فهم را به دست آورند.» (Dürrenmatt im Gespräch, 1986).

هدف از انتشار اطلاعات مربوط به نمایشنامه، بیان ویژگی اخلاقی بانوی سالخورده یا رفتار شهروندان نیست؛ بلکه دورنمات معتقد است که به‌طور خودکار ارتباطی بین دنیای واقعی، مخاطبان و اجرای نمایش ایجاد می‌شود که مخاطب را به همدردی ترغیب می‌کند و تأثیرگذاری عمیق‌تری دارد. در یادداشت مربوط به نسخهٔ مکتوب، نویسنده بیان می‌کند که نمایشنامهٔ *ملاقات بانوی سالخورده* به دست کسی نوشته شده که از این مردم فاصله نگرفته و از اعمال خود نیز چندان مطمئن نبوده است (ibid. ۱۴۱).

ملاقات بانوی سالخورده دیدگاه دورنمات نسبت به جهان مدرن و پیچیدهٔ اواسط قرن بیستم و تحت تأثیر جنگ سرد را منعکس می‌کند. نقد بی‌پرده‌اش جامعهٔ مرفه غربی، به‌ویژه آلمان غربی و سوئیس را هدف قرار داده است (Knopf, ۱۹۹۴: ۲۶۴). برای او، مهم است که بی‌معنایی و تناقضات، یعنی تضادهای دنیای آشفته را نشان دهد. در کنار تناقضات زبانی، او از مفهوم به اصطلاح "گروتسک" به عنوان یک ابزار سبکی استفاده می‌کند. در گروتسک، واقعیت به‌گونه‌ای تحریف شده و اغراق‌آمیز نمایش داده می‌شود و در آن هیچ‌چیز طبیعی به نظر نمی‌رسد. برنند-پیتر مارک‌وارت چنین توضیح می‌دهد: «گروتسک در ادبیات به عنوان ابزاری برای طنز ادبی، به‌ویژه طنز سیاه، توصیف می‌شود که هدف آن ایجاد یک اثر شوک‌آور است. خنده باید به شوک تبدیل شود» (Dürrenmatt, ۱۹۹۰: ۲۳۰).

در روند داستان دو موضوع به موازات هم مطرح می‌شوند: سقوط اخلاقی ساکنان شهری کوچک، تحت تأثیر قدرت و وسوسهٔ پول، که "از روی ضعف و نه بدذاتی" در دام آن گرفتار شدند، ازسوی دیگر، فردی مقصر و گناهکار، که به اشتباه خود پی‌برده، تاوان آن را می‌دهد (Jens, ۱۹۸۸: ۹۲۵). نویسنده زبان نمایشنامه را بسیار مهم می‌داند: «به نظر من، همان‌طور که یک ارگانسیم با ایجاد پوست تکمیل می‌شود، یک نمایشنامه نیز با زبان خود کامل می‌شود. زبان نتیجهٔ کار نمایشنامه‌نویس است» (Dürrenmatt, ۱۹۹۸: ۱۴۲).

دورنمات برای این اثر، زبانی ساده، اما پرانرژی برگزیده است. شخصیت‌ها اغلب با جملات کوتاه صحبت و از کلمات مبهم استفاده می‌کنند؛ چیزی می‌گویند؛ اما منظورشان چیز دیگری است. تنها کلر زاخاناسیان همواره صریح و قاطع سخن گفته، منظور خود را بی‌پرده بیان می‌کند. او هر چند در ظاهر منفعل است، کنترل تمام رویدادهای گولن را در دست دارد، برنامه‌ریزی‌ها را پشت پرده انجام داده، ناظر اجرای آن‌هاست. او اغلب از حالت امری استفاده و به دلیل ثروت و قدرت خود، در دیگران احساس احترام و ترس ایجاد می‌کند.

شخصیت‌های برجسته شهر در روند داستان همراه با جایگاه اجتماعی‌شان معرفی می‌شوند (ibid. ۱۴۱). ساختار گفتاری جالبی نیز در میان دو خدمتکار کلر دیده می‌شود که پرتکرار است؛ مانند: «ما متعلق به بانوی سالخورده‌ایم، ما متعلق به بانوی سالخورده‌ایم. او ما را کوبی و لوبی صدا می‌زند» (ibid. ۳۲). یا «ما کوریم، ما کوریم» (ibid). علاوه بر این تکرارها، دورنمات در این نمایشنامه از ابزارهای بلاغی دیگری نیز استفاده کرده است.

۴-۴. ویژگی‌های شخصیت‌های اصلی و موضوعات نمایش

کلر زاخاناسیان ۶۲ ساله، زنی میلیاردر، تاجری فریبنده و ثروتمندترین زن جهان است. او ۹ بار ازدواج کرد و نام و ثروت هنگفت خود را از همسر اولش زاخاناسیان میلیاردر به ارث برد و مالک شرکت‌هایی از جمله شرکت نفت ارمنستان، راه‌آهن غرب و منطقه سرگرمی بانکوک است. در پی تصادف اتومبیل و سقوط هواپیما، پای چپ و دست راست خود را از دست داده و به جای آن‌ها پروتز دارد. کلر در گولن با نام کلارا و شیر بزرگ شده بود. در ۱۷ سالگی از آلفرد ایل باردار شد؛ اما ایل با پرداخت رشوه به دو شاهد، پدر بودن خود را انکار کرد. پس از این حادثه، کلر مجبور به ترک شهر و تن‌فروشی برای گذران زندگی خود شد و زاخاناسیان او را از این زندگی فلاکت بار نجات داد.

آلفرد ایل ۶۵ ساله و نقطه مقابل کلر است. به جز کلر، او تنها کسی است که در این نمایش هویت و شخصیتی مستقل و مشخص دارد. ایل در جوانی به دوستانش، یاکوب هولن و لودویگ اسپار (بعدها کوبی و لوبی، خدمتکاران بانوی سالخورده!)، یک بطری شراب رشوه داد تا در دادگاه پدر بودن او را انکار کنند و به این وسیله زندگی کلر را نابود کرد. او ازدواج کرد، صاحب دو فرزند شد و در گولن مغازه دارد، از اعتبار بالایی برخوردار و نامزد آتی سمت شهرداری است. او در ابتدای نمایش، باید کلر را متقاعد کند که به گولن کمک مالی کند؛ اما

پس از اینکه متوجه می‌شود فرار است به وسیله شهروندان گولن برای دریافت رقم هنگفتی پول قربانی شود، شروع به پذیرش گناهی می‌کند که با سوءاستفاده از کلر مرتکب شده بود. در نهایت، این پذیرش به او امکان می‌دهد که با حکم اعدام غیر رسمی خود کنار بیاید.

شهردار، کشیش، معلم، پزشک و پلیس مقامات مهم و مسئولان شهر هستند. آن‌ها شخصیت‌های کلیشه‌ای و نماد افراد دارای قدرت هستند که فاقد هویت فردی خاص و شخصیت واقعی هستند.

شهردار نماینده سیاست است و جامعه گولن را در قالب یک نظام حقوقی دموکراتیک و با تظاهر به پای‌بندی به ارزش‌ها و اصول اخلاقی اداره می‌کند. او دیدار کلر را فرصتی برای نجات شهر از وضعیت مالی فاجعه‌بارش می‌بیند و برای منافع شهر دست به هر کاری می‌زند.

کشیش نماینده کلیسا و در ظاهر پای‌بند اخلاق و ارزش‌های دینی است، ایل را به فرار ترغیب می‌کند تا با حضورش، باعث وسوسه شهروندان گولن نشود.

معلم به عنوان نماینده "آموزش و پرورش انسانی" خطراتی را که از جانب کلر ایجاد می‌شود، درک و تلاش می‌کند ایل را نجات دهد. معلم واقعیت و قصد مشارکت خود در کشتن ایل را به او می‌گوید. او همچنین دریافته که همه با این اعمال خود، گناهکار و آسیب‌پذیر شده‌اند.

در این نمایشنامه چندین عامل مؤثر وجود دارد که به شکل‌گیری انتقام منجر می‌شوند:

۱. بی‌عدالتی: شخصیت اصلی، کلر، در جوانی ازسوی ایل اغوا و سپس رها شد. این بی‌عدالتی او را دچار تلخکامی عمیقی کرد. پس از دستیابی به ثروتی هنگفت، به شهر گولن بازمی‌گردد تا انتقام بگیرد. به عقیده دورنمات، عدالت تنها یک خیال و توهم است، موضوعی انتزاعی که هرگز نمی‌تواند وجود داشته باشد. در این تراژدی-کمدی او به موضوع دیدگاه و برداشت نادرست از عدالت می‌پردازد (Goertz, ۱۹۹۷: ۸۳).

۲. ثروت و قدرت: ثروت و نفوذ فوق‌العاده کلر به او این امکان را می‌دهد تا نقشه‌های انتقام‌آمیز خود را اجرا کند. او به ساکنان گولن یک میلیارد پیشنهاد می‌دهد تا ایل را بکشند. این قدرت مالی به کلر این فرصت را می‌دهد که آرزوی دیرینه خود را برای تلافی محقق کند.

۳. از دست دادن اصول اخلاقی: در طول داستان مشخص می‌شود که ساکنان گولن آماده‌اند اصول اخلاقی و ارزش‌های خود را زیر پا بگذارند تا از پول کلر بهره‌مند شوند. این فساد اخلاقی و آمادگی برای ارتکاب قتل، انتقام را به عنوان شکلی قابل قبول از تلافی جویی جلوه می‌دهد.

۴. رکود و فساد: شهر گولن در رکود، فقر و فساد گرفتار شده است. هیچ امیدی به بهبود وضعیت اقتصادی آن وجود ندارد و ساکنان آماده‌اند، با قربانی کردن اصول خود، پول کلر را بپذیرند تا منافع شخصی خود را تأمین کنند. این فضای مملو از فساد و رکود، شرایط را برای شکل‌گیری انتقام فراهم می‌کند.

۵. نقش جامعه: در این نمایشنامه، نقش جامعه در شکل‌گیری انتقام نیز برجسته می‌شود. ساکنان گولن به اعدام ایل رأی می‌دهند تا از پول کلر بهره‌مند شوند. این موضوع نشان می‌دهد که چگونه جامعه‌ای به‌عنوان یک کل می‌تواند در یک انتقام ناعادلانه سهیم شود. (*Monstervortrag über Gerechtigkeit und Recht*, ۱۹۹۸/۹۹). با ارتکاب به گناه و خطایی دسته‌جمعی، کار خود را توجیه می‌کنند.

۵. اجراها و اقتباس‌ها

۵-۱. اجرای نمایش در سوئیس

نمایش ملاقات بانوی سالخورده در شامگاه یکشنبه ۲۹ ژانویه ۱۹۵۶ در سالن Schauspielhaus در زوریخ برای نخستین بار اجرا شد. (*Einführungsabend zur Dürrenmatt- Premiere*, ۱۹۵۶). مدیر تئاتر و کارگردان اسکار والترکین بود.

روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های مختلف زوریخ، نقدهای متعددی در این باره نوشتند:

هنگام نخستین اجرای کمدی- تراژیک ملاقات بانوی سالخورده ۱۵۰ نفر از خبرنگاران از چندین کشور در سالن تئاتر زوریخ حضور داشتند. آن‌ها یا از این اثر تمجید کردند یا آن را رد کردند، اما بیشترشان آن را ستودند. ترزا گیسِه و گوستاو کنت نقش‌های اصلی را به‌عهده داشتند، و صحنه‌پردازی از تئو اوتو بود. بسیاری از متخصصان درباره عملکرد بازیگری ترزا گیسِه در نقش کلر زاخاناسیان هم‌نظر بودند (*Das schaurige Märchen von heute*, ۱۹۵۶). یکی از روزنامه‌نگاران در نشریه Weltwoche درباره نقش او چنین نوشت: «نمی‌دانم که آیا این نقش برای او نوشته شده بود یا نه، اما با دیدن او در این نقش، باور کردید که چنین است» (*Ein sozialkritischer Höllenspuk*, ۱۹۵۶).

منتقدان کمتر به نقش آلفرد ایل پرداختند؛ با این حال، ارزیابی‌هایی وجود داشت. «او نقش خود را بدون خودنمایی و در سایه‌ای از رنگ خاکستری بازی می‌کند. اما این خاکستری دارای

طیف‌های بی‌شماری است، پر از غنا و عمق که شایسته بالاترین ستایش‌هاست» (*Der neue Dürrenmatt*, ۱۹۵۶).

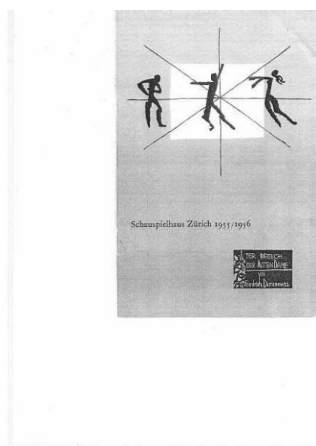
توجه به سطح کارگردانی نشان می‌دهد که اکثر نقدهای منتشر شده، کار او را مثبت ارزیابی می‌کنند. به عنوان مثال، آنها اشاره می‌کنند که والترلین به عنوان کارگردان توجه هنری خود را به نمایش معطوف کرده (*Der Besuch der alten Dame*, ۱۹۵۶) یا اینکه تخیل تأثیری پرشکوه خود را به کار گرفته است (*Ein sozialkritischer Höllenspunkt*, ۱۹۵۶). در تفسیر اثر، که به نظر می‌رسد قدری اغراق‌آمیز باشد، به عنوان نقص، اغلب به صحنه آخر با گروه گر اشاره می‌شود، که به دلیل تعداد زیاد اعضا با دشواری‌هایی همراه بود (*Der Besuch der alten Dame*, ۱۹۵۶). از همکاری با والترلین به عنوان خوش‌اقبالی بزرگ دورنمات صحبت می‌شود.

در این نقدها صحنه و طراحی صحنه تئو اوتو بی‌نقص ارزیابی می‌شود. رایج‌ترین تمجید مربوط به اولین صحنه ایستگاه راه‌آهن است و او به خوبی آن را به تصویر کشید و تماشاگران را از همان ابتدا به داستان جذب کرد. تصویری بسیار ماهرانه که فضای داستان را به طور قابل قبولی به تماشاگران منتقل نمود. همچنین انتخاب لباس‌ها نیز بسیار قابل توجه بود. در روزنامه کارگری ویتترتور به بازی با کلمات علاقه نشان داده می‌شود: «متأسفانه این اثر نمی‌تواند در ویتترتور اجرا شود. اما از آنجا که اثر بسیار مهمی است، باید گزارش داد. این کمدی- تراژیک در واقع به همه ما مربوط می‌شود» (*Ein sozialkritischer Höllenspunkt*, ۱۹۵۶).



۱۹۵۵/۱۹۵۶

Programmheft, Spielsaison



Therese Giehse, Gustav Knuth

پس از گذشت زمانی طولانی، اجرای مجدد این اثر ازسوی گروه کارگردانی سوئیسی-آلمانی معروف به "ریمینی پروتکل"، در ۲۱ ژوئن ۲۰۰۷ روی صحنه رفت. آن‌ها اجرای اولیه نمایش را با شاهدان عینی بازسازی کردند. این گروه به نمایندگی از هلگارد هاوگ، استیفان کیگی و دانیل وتزل حضور داشت و در همان سال با جایزه درام‌نویسی مولهایم از آن‌ها تقدیر شد. آن‌ها با بازماندگانی از اجرای ۱۹۵۶ به کارگردانی والترلین، ازجمله کارکنان و تماشاگران سابق نمایش همکاری کردند.

نمایش *ملاقات بانوی سالخورده* بارها در سوئیس اجرا شده است. به عنوان مثال، این اجراها در سال‌های مختلف در تئاتر کانتون زوریخ در ویترتور در سال ۲۰۰۶ به کارگردانی اولگا وایلدگروبر یا در سال ۲۰۰۷ در تئاتر فورنباخ در ایستگاه قطار بادن، در بازل، که در آن سوزان تومن در نقش خود درخشید. در سال ۲۰۰۸، این نمایش در تئاتر آخن به کارگردانی لیلیان نف به نمایش درآمد (Meier, ۲۰۰۷).

۲-۵. اجرا در آلمان

در آلمان نمایش *ملاقات بانوی سالخورده* برای نخستین بار در ۲۸ می ۱۹۵۶ در تئاتر کامرشپیل مونیخ به کارگردانی هانس شوایکارت اجرا شد و سه سال بعد، در ۲۵ نوامبر ۱۹۵۹ در تئاتر آتلیه برن بار دیگر به روی صحنه رفت. از آنجا که قرار بود این نمایش بر روی یک صحنه کوچک اجرا شود، نیاز به تعدیل در عناصر اجرا ازجمله تغییراتی در تعداد بازیگران و نیز در پرده‌های دوم و سوم بود (Castel, ۱۹۹۹).

یکی از اجراهای مورد بحث در دهه ۹۰ میلادی، اجرا در تئاتر آلمان در برلین بود. «این اثر قدیمی و آسیب‌دیده است. کسی که امروزه به سراغ آن می‌رود، باید بسیار غنی باشد، نه از نظر پول، بلکه از نظر ایده» (Göpfert, ۱۹۹۹). کارگردان آن توماس لانگهوف ایده‌ای جدید داشت؛ اما با این حال انتقادات زیادی وجود داشت، «او این نمایش را نه در هر کجای اروپای مرکزی، بلکه دقیقاً در جایی که آلمان شرقی قرار داشت، اجرا می‌کند» (Schaper, ۱۹۹۹). این واقعیت بارها مورد انتقاد قرار گرفت. کمدی تراژیک دورنمات در تئاتر آلمان به عنوان یک تمثیل از اتحاد مجدد درک می‌شود. ماجرا در آلمان شرقی جریان دارد؛ جایی که میلیاردری غربی به آن سفر می‌کند.

در اجرای لانگهوف بازیگران مشهوری نقش‌آفرینی می‌کردند. نقش‌های اصلی به وسیلهٔ اینگه کِلِر، بازیگر شناخته‌شدهٔ جهانی که از ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۰ بر روی صحنه تئاتر آلمان برلین حضور داشت، و کورت بووه، که مخاطبان او را به عنوان کمیسر گروث از سریالی تلویزیونی به خاطر دارند، ایفا شد. با این حال، حتی این بازیگران نیز ضامن موفقیت اجرا نبودند. «کارگردانی لانگهوف از شخصیت‌ها چیزی شبیه به کاریکاتورهای ظریف می‌سازد» (Laudenbach, ۱۹۹۹). نظرات مربوط به بازی بازیگران نیز در مجلهٔ "تیپ" بیان شده است. در مورد کِلِر زاخاناسیان چنین نوشته شده: «اینگه کِلِر، خون‌آشام در خدمت، باشکوه و لبخند تمسخرآمیز و باریک، زاخاناسیان را به تصویر می‌کشد» (ibid) یا بازیگر نقش آلفرد ایل چنین مورد تحسین واقع شده: «او در هر لحظه یک بازیگر فوق‌العاده است» (ibid).



Der Besuch der alten Dame- Deutsches Theater Berlin, 1999 (Vaňková, 2008: 42)

در سال ۲۰۰۰، نمایش ملاقات بانوی سالخورده در تئاتر HQ شهر درسدن به وسیلهٔ گروهی متشکل از ۲۵ زن و مرد در سنین و با مشاغل مختلف، که علاقهٔ مشترک به هنر آن‌ها را به هم پیوند داده بود، اجرا شد. کاترینا هولر دربارهٔ این گروه چنین می‌گوید: «بازیگران بسیار باانگیزه‌اند، مسیر درستی را پیش گرفته‌اند، و اگر همه کمی تأثیرگذارتر عمل کنند و به نکات ظریف توجه بیشتری داشته باشند، این نمایش به یک سرگرمی عمیقاً تأمل‌برانگیز تبدیل خواهد شد» (Holler, ۲۰۰۰).

از این نمایش اجراهای جدیدتری نیز در تئاترهای مختلف در آلمان وجود دارد. به عنوان مثال، این تراژدی-کمدی در سال ۲۰۰۶ در تئاتر ایالتی دارمشتات با کارگردانی هِرمان شاین به نمایش درآمد. یودیت فون-استرنبورگ سعی کرد صحنه را دقیق‌تر توصیف کند: «رشد فزاینده ثروت گولن از طریق عکس‌هایی نشان داده می‌شود که مانند پوستر بر روی دیوارها برق می‌زند» (Sternburg, ۲۰۰۶). مارگیت شولت-تیگز در نقش اصلی به طور دراماتیکی برجسته ظاهر می‌شود. حتی اگر او بر روی صحنه دیده نشود، کانونِ تاریکِ این اجراست و می‌توان گفت که قدرت، وزن و تأثیر زیادی دارد (ibid).

در آلمان، این نمایشنامه به صورت یک نمایش رادیویی نیز اقتباس شده که نویسنده آن توماس گروین است. او داستان را بدون استفاده از متن اصلی، پردازش و آن را به صورت صحنه‌های شنیداری پیاده‌سازی کرده است (Gerwin, ۲۰۰۷).

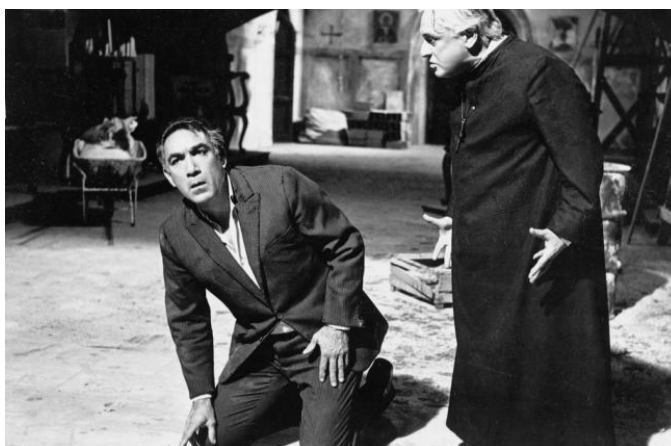
"دیدار" (Der Besuch) یک فیلم بلند صد دقیقه‌ای، محصول سال ۱۹۶۴ با کارگردانی برنهارد ویکی و اقتباسی سینمایی از نمایشنامه ملاقات بانوی سالخورده است. ویکی اصل داستان فیلم را براساس نمایشنامه دورنمات نوشته، ولی طنز تلخ او را به ملودرامی همراه با پایانی خوش تبدیل کرده است. کلر در آخرین لحظه، دلدادۀ دوران جوانی خود را می‌بخشد و از مرگ نجاتش می‌دهد. هنرپیشگانی چون اینگرید برگمان و آنتونی کوبن نقش‌های اصلی این فیلم را بر عهده داشتند. فیلم ویکی، کاندیدای جوایز ارزنده فیلم همچون نخل طلائی کن و اسکار بوده است.



Der Besuch-alamy.de



Widegger(S.A.)

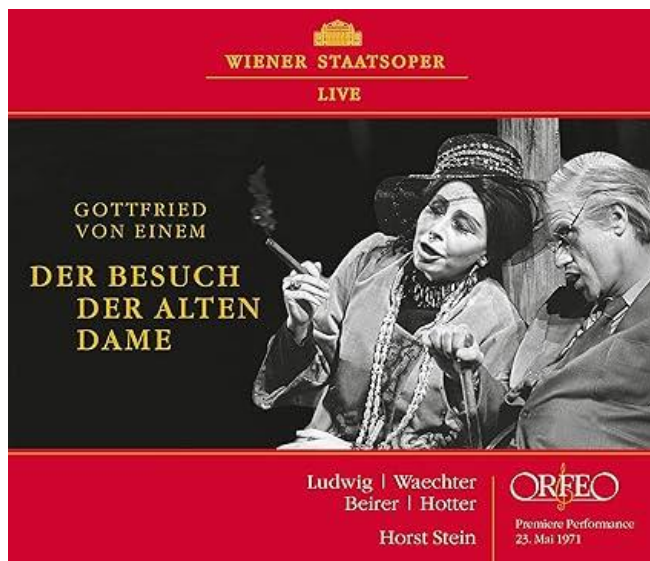


Der Besuch – Cinema.de

۳-۵. اجرا در اتریش

یکی از مهم‌ترین رویدادها و تأثیرگذاری‌ها در اتریش در ارتباط با نمایش ملاقات بانوی سالخورده، اقتباس و تبدیل آن به یک اپرا است. موسیقی این اثر به وسیله آهنگساز اتریشی، گوتفريد فون آینم نوشته شد و متن آن را بوریس بلاخر بازنویسی کرد (Konold, ۱۹۸۷). او در ۱۹۵۶ با این اثر آشنا شد؛ ولی ایده نوشتن اپرای آن را یازده سال بعد تحقق بخشید. اولین اجرای آن در سال ۱۹۷۱ در وین بود. (Moser, ۲۰۰۷) اپرای دولتی وین، این اپرای سه پرده‌ای را به کارگردانی اتو شینک به نمایش گذاشت. این اطلاعات از تِرِز گِسِنِر از اپرای دولتی وین به دست آمد. این اثر در مجموع ۳۹ بار در وین اجرا شد و آخرین اجرای آن، در سال ۱۹۸۹ به رهبری هورست اشتاین بود و شخصیت اصلی کلِر زاخاناسیان به وسیله کریستا لودویگ و نقش

آلفرد ایل به وسیله خواننده باریتون ابرهارد واختر بازی شد. دیگر نقش‌ها عمدتاً برای صداهای تنور یا باس- باریتون بازسازی شدند (ibid.)^۴. اجرای جدیدی از این اپرا در سال ۲۰۱۸ گزارش شده است که با صحنه‌پردازی و ساختار مدرن‌تر، سعی در جلب مخاطب امروزی و تأثیر بیشتر بر نسل جوان را دارد.



Locke



Lacina 2018

۴. از دیگر دستاوردهای مهم فون آینم، اپرای محاکمه اثر فرانتس کافکا است که در سال ۱۹۵۳ در سالزبورگ به نمایش درآمد.

۵-۴. اجرا، اقتباس و تأثیرات در ایران

۵-۴-۱. ترجمه فارسی اثر و اجراها و اقتباس‌های فارسی

کتاب *ملاقات بانوی سالخورده* برای نخستین بار به وسیله حمید سمندریان ترجمه و منتشر شده، به مخاطبان فارسی‌زبان معرفی گردید. نام حمید سمندریان و فردریش دورنمات در تئاتر ایران به یکدیگر پیوندی ناگسستنی دارند. سمندریان یکی از بزرگ‌ترین کارگردانان تاریخ تئاتر ایران است که نه تنها به آموزش بازیگری و کارگردانی نمایش‌های ماندگار پرداخته، بلکه آثار زیادی، از جمله از دورنمات، را نیز ترجمه و اجرا کرده است. او سی سال با این نمایشنامه‌نویس از طریق آثارش زندگی کرد و در اوج پختگی و تسلط، برداشت‌های جدیدش را از شناخته شده‌ترین اثر این نمایشنامه‌نویس سوئیسی روایت نمود (بنگرید شب "فریدریش دورنمات" با سخنرانی حمید سمندریان ۱۳۸۷).

۵-۴-۲. اجرا و اقتباس فارسی

نمایش *ملاقات بانوی سالخورده* در سال ۱۳۵۱ به کارگردانی سمندریان و با بازیگری جمیله شیخی، آذر فخر، اکبر زنجانپور، محمود هاشمی، علی رامز و غلامرضا طباطبایی و دیگران در تالار مولوی تهران به نمایش درآمد.

در سال ۱۳۸۵، پس از حدود ۳۵ سال، حمید سمندریان برای دومین بار این نمایش را در سالن بزرگ تئاتر شهر و با بازی گوهر خیراندیش، پیام دهکردی، علی رامز، فرخ نعمتی، احمد ساعتچیان، میرطاهر مظلومی و هوشنگ قوانلو به روی صحنه برد.

سمندریان بارها نمایش‌های دورنمات را به زبان‌های آلمانی و فارسی در مؤسسه گوته ایران اجرا کرده بود و در این اجراها دورنمات نیز مشارکت داشت، عکس‌هایی از این اجراها دیده بود و در دیدار شخصی حمید سمندریان با دورنمات، او از نظرات و اجرای آثارش سخن گفته بود. اگر دورنمات دچار بیماری نشده بود، به عنوان میهمان در اجرای *ازدواج آقای می‌سی‌سی‌پی* به ایران می‌آمد (صدمین سالروز تولد فردریش دورنمات - ملاقات با دورنمات، ۱۳۹۹).



گزارش تصویری/۲ نمایش ۱۳۸۶



گزارش تصویری/۲ نمایش ۱۳۸۶

اقتباس دیگری از ملاقات بانوی سالخورده در ایران، در سال ۱۳۹۳ صورت گرفت که به عنوان تئاتر عروسکی و موزیکال برای بزرگسالان با کارگردانی هادی حجازی‌فر، ابتدا در تئاتر شهر و چندی بعد در مرکز فرهنگی نیاوران به نمایش درآمد. مطمئناً این اجرای کاملاً متفاوت، با استفاده از بیگانه‌سازی یا فاصله‌گذاری با استفاده از عروسک بجای برخی شخصیت‌ها و حضور مستقیم عروسک‌گردان‌ها در روی صحنه تأثیری متفاوت و بیادماندنی بر تماشاچیان داشته است.



دارایی ۱۴۰۲



دارایی ۱۴۰۲

اجرای دیگری از این نمایش با عنوان "ملاقات"، برگرفته از عنوان نسخه انگلیسی این نمایشنامه، به وسیله پارسا پیروزفر ترجمه، نوشته و کارگردانی شد و با بازیگرانی همچون پانته‌آ پناهی‌ها، رضا بهبودی، پارسا پیروزفر، سیاوش چراغی‌پور، مهدی حسینی‌نیا، افشین خورشیدبخت، هومن کیایی، داریوش موفق در ۱۳۹۸ در تئاتر شهر تهران اجرا شد و مورد استقبال گسترده مخاطبان قرار گرفت (مؤذن‌زاده، ۱۳۹۷).



گزارش تصویری تیوال از نمایش ملاقات



گزارش تصویری تیوال از نمایش ملاقات



تدین صدوقی - ۱۳۹۸



تئاتر ملاقات

فیلم "بی‌همه‌چیز" به کارگردانی محسن قرایی نیز اقتباسی از ملاقات با بانوی سالخورده است که با داستان اصلی، نزدیکی‌های زیادی دارد. بی‌همه‌چیز در جشنواره فیلم فجر سال ۱۳۹۹ به نمایش درآمد و ۴ سیمرغ بلورین و یک سیمرغ جایزه ویژه هیأت داوران را به دست آورد. یکی از دلایل موفقیت این فیلم، بازیگران اصلی آن هستند: هدیه تهرانی، پرویز پرستویی، هادی حجازی‌فر و باران کوثری. در برخی صحنه‌ها تأثیر عناصر و ویژگی‌های فرهنگی مشهود است؛ از جمله در صحنه رای‌گیری اهالی شهر همراه با اثر انگشت.



همه چیز درباره فیلم بی همه چیز



همه چیز درباره فیلم بی همه چیز



همه چیز درباره فیلم بی همه چیز

۶. نتیجه‌گیری

دورنمات در بیشتر آثارش، موضوع زن را مطرح می‌کند؛ اما نقش اول زن در نمایشنامه ملاقات بانوی سالخورده، یعنی کلر زنی است که به او ظلم شده، مورد بی‌عدالتی قرار گرفته و او را تبدیل به موجودی بی‌رحم و انتقام‌جو نموده است. با مقایسه اجراها و اقتباس‌های گوناگون، متوجه می‌شویم که در بیشتر موارد، نتیجه آن مرگ ایل است؛ اما استثنا هم وجود دارد و عشق بر نفرت و انتقام پیروز شده، کلر او را می‌بخشد.

تعداد چشمگیر چاپ‌ها و اجراها و تأثیرگذاری‌ها در کشورهای گوناگون از نمایشنامه مذکور، نشانگر محبوبیت دورنمات و این نمایشنامه در میان خوانندگان و تماشاگران، نیز علاقمندان و دست‌اندرکاران تئاتر است. اگرچه دورنمات این اثر را بیش از پنجاه سال پیش نوشته، همواره در فهرست اجراهای مهم‌ترین تئاترها و نیز گروه‌های آماتور باقی مانده است. بررسی اجراها و اقتباس‌های این اثر، نشان داد که غیر از اجراهای تئاتری متعدد در طول دهه‌های متمادی، اقتباس‌هایی به شکل تئاتر رادیویی، فیلم و حتی اپرا در کشورهای آلمانی‌زبان و نیز ایران از آن تولید شده است. بررسی این روند در کشورها و به زبان‌های دیگر نیز، نتایج درخور توجهی به دست می‌دهد. مثلاً در اقتباس فیلم ایرانی از نمایشنامه برخی عناصر فرهنگی و بومی جامعه جلب توجه می‌کند. حتی در اجراهای مختلف در یک کشور شرایط زمانی و تحولات اجتماعی در تفاوت سبک اجرا کاملاً مشهود است، بویژه در صحنه‌پردازی، طراحی لباس و گاه سبک زبانی بازیگران.

با توجه به اهمیت و جایگاه جهانی ملاقات بانوی سالخورده، مقایسه اجراهای گوناگون از منظر برجسته‌سازی ویژگی‌ها، شباهت‌ها و تفاوت‌های فرهنگی و تأثیر بر بومی‌سازی برخی جنبه‌ها و صحنه‌ها، می‌تواند نتایج فرهنگی و اجتماعی جالب توجهی به دست دهد. چنین مقایسه‌ای می‌تواند از جنبه‌های گوناگون درون فرهنگی و بینا فرهنگی، با مقایسه چند اجرا به یک زبان و در یک فرهنگ واحد، یا مقایسه اجراهای گوناگون به زبان‌ها و با پیشینه فرهنگی متفاوت باشد.

منابع

مقالات فارسی

- انوشیروانی، علی‌رضا. (بهار ۱۳۸۹ الف). "ضرورت ادبیات تطبیقی در ایران". ویژه نامه ادبیات تطبیقی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دوره اول، شماره اول (۱)، صص ۶-۳۸.
- انوشیروانی، علی‌رضا. (پاییز ۱۳۸۹ ب). "آسیب شناسی ادبیات تطبیقی در ایران". ویژه نامه ادبیات تطبیقی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دوره اول، شماره دوم (۲)، صص ۳۲-۵۵.
- انوشیروانی، علی‌رضا. (پاییز ۱۳۸۹ ج). "چالش‌های ادبیات تطبیقی در ایران". ویژه نامه ادبیات تطبیقی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دوره اول، شماره دوم (۲)، صص ۲-۵.
- رضاپور، پویان؛ علی‌رضا انوشیروانی (پاییز و زمستان ۱۳۹۹): مطالعه تطبیقی اقتباسهای سینمایی مرگ یک فروشنده اثر آرتور میلر. *ادبیات تطبیقی*. سال ۱۲. شماره ۲۳، پاییز، صص ۲۰۹-۲۲۵.
- روشن، سید جواد (۱۳۸۷) در مصاحبه‌ای با عنوان "سمندریان و اجرای ملاقات بانوی سالخورده" *سیمیا* پاییز ۱۳۸۷ شماره ۳. صص: ۲۴۸-۲۶۱.
- صدیقی، بهزاد (۱۳۸۶/۸۷). جستار "یک کمدی رعب آور! نگاهی به نمایش «ملاقات بانوی سالخورده»، نوشته فریدریش دورنمات، ترجمه و کارگردان: حمید سمندریان" *کتاب صحنه* ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ شماره ۶۹ و ۷۰. صص: ۹۶-۹۹.
- صفی‌ئی، کامبیز (۱۳۸۸) در "کاربرد تحلیل ساختار روایت: تحلیل روایی ملاقات بانوی سالخورده اثر «فریدریش دورنمات»، *نشریه مطالعات ادبیات تطبیقی*، سال سوم شماره ۱۱ (پاییز ۱۳۸۸)، صص ۱۴۵ تا ۱۶۵.
- طه‌وری‌نیر؛ فاطمه کلانتری (۱۴۰۰) بررسی مراقبت و تنبیه فوکویی در نمایشنامه ملاقات بانوی سالخورده از فریدریش دورنمات، *اولین کنفرانس بین‌المللی علوم تربیتی، روانشناسی و علوم انسانی مقاله کنفرانس*.
- موسوی، بتول؛ لاله آتشی (۱۴۰۰). بررسی اقتباس هملت در انیمیشن سیمپسون‌ها. *مطالعات بین‌رشته‌ای ادبیات، هنر و علوم انسانی*. دوره ۱، شماره ۲، صص. ۱۴۵-۱۷۲.

- نونهالی.مهشید، ۳۸۷۱، ملاقات بانوی سالخورده. سیمیا پاییز ۱۳۸۷ شماره ۳. صص. ۲۴۵-۲۴۷

سایت فارسی:

- تدین صدوقی، سید علی (۱۳۹۸، ۰۲، ۰۲). فریدریش دورنمات، پارسا پیروزفر و داستانی درباره انتقام / ایران تئاتر

- تئاتر ۲/ تئاتر ۹۰۳-فریدریش دورنمات، پارسا-پیروزفر-و-داستانی-درباره-انتقام.

<https://saliss.com/html>

تاریخ برداشت: ۱۴۰۳، ۰۷، ۱۴

- دارایی، فربرز (۱۴۰۲): هادی حجازی فر و خاطره ملاقات با «بانوی سالخورده» در تئاتر شهر. ۱۴۰۲، ۰۴، ۱۰

هادی-حجازی-فر-و-خاطره-ملاقات-با-بانوی-سالخورده-در-تئاتر-شهر

- <https://www.mehrnews.com/news/5824158/>

تاریخ برداشت: ۱۴۰۳، ۰۷، ۰۷

- شب «فردریش دورنمات» با سخنرانی حمید سمندریان (۱۳۸۷)

<https://www.aparat.com/v/z10c6jp>

تاریخ برداشت: ۱۵ مهر ۱۴۰۳

- صدمین سالروز تولد فردریش دورنمات - ملاقات با دورنمات (۱۳۹۹): روزنامه شرق. ۱۳۹۹، ۱۰، ۲۴

- بخش -روزنامه-۱۰۰/۲۷۶۷۵۹-ملاقات-با-دورنمات

<https://www.sharghdaily.com/>

<https://www.sharghdaily.com/fa/tiny/news-276759>

تاریخ برداشت: ۱۴۰۳، ۰۷، ۱۵

- گزارش تصویری تیوال از نمایش ملاقات (۱۳۹۸) عکاس: سید ضیا الدین صفویان

<https://www.tiwall.com/p/molaghat2>

تاریخ برداشت: ۱۴۰۳، ۰۷، ۱۴

- گزارش تصویری/۲ نمایش "ملاقات بانوی سالخورده" به کارگردانی حمید سمندریان. ۲۴ دی ۱۳۸۶

- گزارش-تصویری-۲-نمایش-ملاقات-بانوی-سالخورده-به-کارگردانی-حمید
<https://www.isna.ir/photo/8610-13159/>

تاریخ برداشت: ۹ مهر ۱۴۰۳

- موزن زاده، آروین. ۱۳۹۷، ۱۰ بهمن. "پارسا پیروزفر با «ملاقات» به تئاتر شهر می‌رود".
خبرگزاری مهر،

پارسا-پیروزفر-با-ملاقات-به-تئاتر-شهر-می-رود

<https://www.mehrnews.com/news/4528301/>

تاریخ برداشت: ۱۴۰۳، ۰۷، ۰۷

- همه چیز درباره فیلم "بی همه چیز" (۱۴۰۳، ۰۱، ۱۸): نقد فیلم بی همه چیز-فیلمو

نقد-فیلم-بی-همه-چیز

<https://www.filimo.com/shot/113238/>

تاریخ برداشت: ۱۴۰۳، ۰۷، ۰۷

- تئاتر ملاقات:

تئاتر-ملاقات/

<https://bilitresan.com/>

تاریخ برداشت: ۱۴۰۳، ۰۷، ۱۴

کتاب لاتین:

- Dürrenmatt. Friedrich (2006). *Gesammelte Dramen: Band 1*. Übersetzt von Joel Agee. University of Chicago Press.
- Dürrenmatt. Friedrich (1998). *Der Besuch der alten Dame*. Diogenes, Zürich: Verlag AG.
- Goertz. Heinrich (1997). *Dürrenmatt*. Trans. Jiřina a Lenka Brücknerovy. Votobia, Olomou.
- Goertz. Heinrich (1997). *Dürrenmatt*. Hamburg: Rowohlt.
- Hutcheon. Linda (2006). *A Theory of Adaptation*. New York/London.
- Knopf, Jan (1994): Friedrich Dürrenmatt, In *Deutsche Dichter, Bd. 8. Gegenwart*. Stuttgart: Reclam. S. 259-278.

- Konold. Wulf (1987). Einem: «Der Besuch der alten Dame». In: **Pipers Enzyklopädie des Musiktheaters. Bd. 2. Werke. Donizetti – Henze**. Piper: München und Zürich. S. 131–133.
- Vaňková, Dagmar (2008). **Die Inszenierung des Stückes - Der Besuch der alten Dame von Friedrich Dürrenmatt**. Masaryk-Universität, Philosophische Fakultät, Brunn.

مقاله و گزارش در روزنامه و مجله لاتین:

- Castel. Petra (28.03.1999). «Galerie des Theaters» **Radio Kultur SFB/ORB**.
- Dürrenmatt im Gespräch (1986). mit Klaus B. Harms; **Gespräche** 3,250.
- «Das schaurige Märchen von heute» (09.02.1956). In: **Die Wochenzeitung**. Zürich.
- Dürrenmatt, Friedrich (1990). **Labyrinth Stoffe I- III**. Diogenes Verlag AG, Zürich.
- «Dürrenmatt: Der Besuch der alten Dame» (01.02.1956). In: **Die Tat**, Zürich.
- *Der neue Dürrenmatt* (03.02.1956). In: **Die Weltwoche**, Zürich.
- „Der Besuch der alten Dame“ (31.01.1956). In: **Neues Winterthurer Tagblatt, Winterthur**.
- „Der Besuch der alten Dame“ (11.02.1956). In: **Der Sihltaler, Adliswil**.
- «Einführungsabend zur Dürrenmatt- Premiere(30. 01. 1956). In: **Die Tat**, Zürich.
- «Ein sozialkritischer Höllenspuk» (03.02.1956). In: **Zürcher Woche**, Zürich.
- «Friedrich Dürrenmatt» (Dezember 1990). In: **Augsburger Allgemeine Zeitung**, Augsburg.
- Göpfert, Peter Hans (24.03.1999). «Klassik zum Frühstück». **Radio 3, Berlin**.
- Gerwin. Thomas (2007). **Zwischen den Zeilen - Der Besuch der alten Dame. Radiospiel**. ARD-Hauptstadt Studio. Dauer 53:20.
- Holler. Katharina (Januar 2000). «Die reiche Tante aus dem Westen» In: **Dresdner Neueste Nachrichten**, Dresden.

- Laudenbach. Peter (1999). «Guter Comic» In: **Tip, Berlin**, Nr. 8/1999.
- Meier. Simone (27.06.2007). «Sie schon wieder! » In: **Süddeutsche Zeitung**. München.
- «Monstervortrag über Gerechtigkeit und Recht» (1998-1999). In: **Programmheft –Der Besuch der alten Dame, Friedrich Dürrenmatt**, Deutsches Theater und Kammerspiele Berlin, 116. Spielzeit 1998/99
- Moser. R. (2007). « Über die Käuflichkeit der Masse» In: **Wochenzeitung Zurzeit**, Wien, 23.02.- 01.03.2007
- Schaper. Rüdiger (25.03.1999). «Glückliche Tage in Güllen (Ost)» In: **Süddeutsche Zeitung**, München.
- Sternburg. Judith. (03.05.2006). «Schneeweiß am Blutort» In: **Frankfurter Rundschau**, Frankfurt am Main.
- Spycher. Peter (1972). **Friedrich Dürrenmatt. Das erzählerische Werk**. Frauenfeld: Verlag Huber&Co AG

سایت لاتین:

- **Der Besuch** – alamy.de:
- <https://www.alamy.de/stockfoto-den-besuch-baujahr-1964-usa-italien-regie-bernhard-wicki-ingrid-bergman-anthony-quinn-foto-alberto-cocchi-85999868.html>

تاریخ برداشت: ۱۴۰۳،۰۷،۰۹

- **Der Besuch** – cinema.de:
- <https://www.cinema.de/film/der-besuch,1323996.html>

تاریخ برداشت: ۱۴۰۳،۰۷،۰۹

- Lacina, Harald (2018): Wien: «**Der Besuch der alten Dame**», **Gottfried von Einem** - Eine gelungene Wiederbelebung 21.03.2018. Fotocredits: Werner Kmetitsch.
- <https://deropernfreund.de/theater-an-der-wien/wien-der-besuch-der-alten-dame-gottfried-von-einem-11473/>

تاریخ برداشت: ۹ مهر ۱۴۰۳

- **Locke. Ralph P. (11.01.2019). Gottfried von Einem's The Visit of the Old Lady Now on CD.**

- https://www.operatoday.com/content/2019/01/gottfried_von_e.php

تاریخ برداشت: ۹ مهر ۱۴۰۳

- Widegger, Florian (S.A.). *Der Besuch*. Filmarchiv Austria.

<https://www.filmarchiv.at/program/film/der-besuch/>

تاریخ برداشت: ۹ مهر ۱۴۰۳